انواع ظهور معنا در پایه: مشروط به ناظر و غیر مشروط

جلسه قبل، ذیل فرمایشی که آقا به من داده بودند، یک تقسیم رباعی داشتیم که در حقیقت دو تقسیم بود. تقسیمی از این حیث که چیزی ناظرمحور باشد یا ذاتمحور باشد. همچنین پایه‌ای که در آن ظهور می‌کند، ثابت باشد یا پویا و متحرک باشد. اگر نظر شریفتان باشد، جلسه قبل این تقسیم‌بندی را داشتیم. در مورد ظهور معنا هم چیزی را فرمودند؛ نمی‌دانم الآن هم چیزی در توضیح آن دارید یا نه. ببینید؛ آنچه که عرض کردم در خصوص اینکه پایه‌ای سبب ظهور امری می‌شود که به ناظر وابسته نیست، این را باید خیلی مهم بدانیم. فهم اولیه آن و بعد، بسطش، چیز کمی نیست و خیلی پر اهمیت است. جاهایی که ما یک پایه‌ای فراهم کنیم که معدّ باشد تا نفس مدرک و یک قوه مدرکه، توسط آن معد، چیزی را درک کند، این در فضای بحث ما زیاد مهم نیست. نقاش، نقاشی می‌کشد؛ آنچه که در تابلوی خودش می‌کشد، معد است؛ معدی است که نه آن کاغذ از این دیده و عکس او خبر دارد و نه اگر ناظری باشد، چیزی اضافه بر رنگ و آبرنگ موجود می‌شود و فقط نقاش، نظم خاصی به این رنگ‌ها داده است. قوام این‌که این تابلو معد باشد، به آن ناظر است؛ کسی که قوه درا‌که دارد، وقتی به این معد بیرونی که تابلو است، نگاه می‌کند، ایده نقاش و مطالبی که در ذهن او بود و چیزهایی که می‌خواسته بگوید، در ذهن ناظر می‌آید. پس آن پیکره بیرونی معد است، اما معدی است که ناظرمحور است و قوام ظهور و مظهریت آن، به ناظر است.

اما دیگری مهم است و همه بحث ما سر دیگری است. پارسال هم در جلسات آخر، بحث نیمبند و مختصری راجع به اصالت اجتماع و فرد مطرح کردم که مطالب خیلی مهمی آنجا هست که باید از آن استفاده کنیم. مهم این است که یک پایه‌ای باشد تا شیء و ذاتی ای اعم از ذات، ظهور کند. حالا بحث‌های کلاسیک و حکمی و کلامی و فلسفی آن را بهتر از من می‌دانید. علی ای حال، ما بدنبال این پایه‌ای هستیم که چیزی ظهور کند. من که مدام روی این کلمه ظهور، تأکید می‌کنم، به این خاطر که گفتند آیا منظورت همان وجود است؟ من حرفی ندارم که به یک معنای وسیع، وجود بگوییم، اما مقصود من وجود نیست. چون وجود، کاربردهای خاص خودش را دارد. وقتی وجود بگوییم، فهمها خیلی محدود می‌شود.

بازبینی #2
ایجاد شده 20 آوریل 2025 15:19:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 آوریل 2025 17:12:28 توسط ... .